

وأما **الغسل**: ففيه: الواجب والمندوب.

**غسل**: دو نوع است: واجب و مستحب.

فالواجب ستة أغسال: غسل الجنابة، والحيض، والإستحاضة التي تثقب الكرسف، والنفاس، ومس الأموات من الناس قبل تغسيلهم وبعد بردهم، وغسل الأموات.

غسل های واجب شش مورد می باشد: غسل جنابت، حیض، استحاضه ای که در آن خون از پنبه بگذرد، نفاس، غسل لمس میتی که غسل داده نشده و بدنش سرد شده باشد، و غسل دادن میت.

وبیان ذلك في خمسة فصول:

بیان آن در پنج فصل می آید:

## الفصل الأول: في الجنابة

### فصل اول: غسل جنابت

والنظر في: السبب، والحكم، والغسل.

در جنابت سه چیز مورد توجه قرار می گیرد: سبب جنابت، احکام جنابت و غسل آن.

أما سبب الجنابة، فأمران:

سبب جنابت: دو چیز است:

الإنزال: إذا علم أن الخارج مني، فإن حصل ما يشته به وكان دافقاً يقارنه الشهوة وفتور الجسد وجب الغسل، ولو كان مريضاً كفت الشهوة وفتور الجسد في وجوبه. ولو تجرد عن الشهوة والدفق - مع اشتباهه - لم يجب. وإن وجد على ثوبه أو جسده منياً وجب الغسل إذا لم يشركه في الثوب غيره، والمرأة كذلك إذا أمنت تغتسل.

انزال (خروج منی): اگر بداند آنچه از او خارج شده، منی است بر او غسل جنابت واجب می شود؛ حال اگر چیزی از او خارج شود که نداند منی است یا نه و آن مایع با فشار و جهش و همراه با شهوت و سستی بدن خارج شود،

غسل بر او واجب می‌گردد. اگر مریض باشد، شهوت و سستی بدن برای واجب شدن غسل کافی است (حتی اگر با جهش خارج نشود). اگر بدون فشار و شهوت باشد و خودش نداند منی است یا نه، غسل بر او واجب نمی‌گردد. اگر فرد روی بدن و یا لباس خود منی بیابد، در صورتی که کسی در پوشیدن آن لباس با او شریک نباشد غسل بر او واجب می‌گردد.

اگر از زن نیز منی خارج شود، غسل بر او واجب می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

والجماع: فإن جامع امرأة في قبلها والتقى الختان وجب الغسل وإن كانت الموطوءة ميتة، وإن جامع في الدبر ولم ينزل وجب الغسل. ولو عمل بعمل قوم لوط (لعنة الله عليهم وعلى من يعمل عملهم) ولم ينزل يجب الغسل، ويجب الغسل بوطء بهيمة إذا لم ينزل.

جماع: اگر کسی با زنی از طرف جلو جماع و آمیزش کند با ورود آلت تا محل ختنه‌گاه غسل بر هر دو واجب می‌گردد حتی اگر زن، مرده باشد. اگر از مقعد نیز نزدیکی کند - حتی بدون انزال - غسل واجب می‌شود. اگر (العیاذ بالله) کسی عمل قوم لوط (که لعنت خدا بر آنان و هر کس که عمل آن‌ها را مرتکب می‌شود) را انجام داد - حتی بدون انزال - غسل بر او واجب می‌گردد. اگر کسی با حیوانی نزدیکی کند - حتی بدون انزال - غسل بر او واجب می‌گردد.

تفریح: الغسل يجب على الكافر عند حصول سببه، لكن لا يصح منه في حال كفره، فإذا أسلم وجب عليه ويصح منه. ولو اغتسل ثم ارتد ثم عاد لم يبطل غسله.

تبصره: غسل بر کافر هنگام وجود سبب آن واجب می‌گردد، اما انجام آن در حالت کفر صحیح نیست؛ زمانی که مسلمان شد، غسل بر او واجب می‌شود و انجامش صحیح است؛ و اگر غسل نماید، سپس مرتد شود و دوباره مسلمان شود، غسلش باطل نمی‌شود.

وأما الحكم: فيحرم عليه: قراءة كل واحدة من العزائم وقراءة بعضها حتى البسمة إذا نوى بها إحداها، ومس كتابة القرآن أو شئٍ عليه اسم الله تعالى سبحانه أو اسم نبي أو وصي، والجلوس في المساجد، ووضع شئٍ فيها، والجواز في المسجد الحرام أو مسجد النبي (ص) خاصة. ولو أجنب فيهما لم يقطعهما إلا بالتيمم.

احکام جنابت:

مواردی که بر فرد جنب حرام است: خواندن همه یا بخشی از یکی از سوره‌های عزائم (سوره‌هایی که سجده واجب دارند) حتی ذکر بسم‌الله، اگر نیتش یکی از این سوره‌ها باشد.

---

1- خروج منی در زن با دو علامت مشخص می‌شود: شهوت زیاد یا رعشه بدن و سرازیر شدن مایع منی به فرج. اگر زنی در خواب این علامت‌ها برایش پیش آمده باشد، اما توجه نکرده و با همان حال، نماز خوانده باشد، باید نمازهایی که در این حالت خوانده است را قضا کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 50)

دست زدن به نوشته قرآن یا آنچه نام خداوند سبحان و متعال یا یکی از پیامبران و یا اوصیا بر آن نوشته شده باشد، نشستن در مسجد<sup>(2)</sup> و یا گذاشتن چیزی در آن، عبور کردن از مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) [در مدینه] به طور خاص. اگر کسی در مسجد الحرام و یا مسجد النبی (ص) جنب شد باید تیمم کند، سپس از آنجا خارج گردد.

ویکره له: الأكل والشرب، وتخفف الكراهة بالمضمضة والاستنشاق، وقراءة ما زاد على سبع آيات من غير العزائم، وأشد من ذلك قراءة سبعين وما زاد أغلظ كراهية، ومس المصحف، والنوم حتى يغتسل أو يتوضأ أو يتيمم، والخضاب.

آنچه بر جنب مکروه است: خوردن و آشامیدن، و کراهت آن با مضمضه و استنشاق کمتر می شود. خواندن<sup>(3)</sup> بیش از هفت آیه از قرآن، غیر از سوره های دارای سجده واجب؛ و خواندن هفتاد آیه و بیش از آن، کراهتش بیشتر است؛<sup>(4)</sup> همچنین لمس کتاب قرآن، و خوابیدن قبل از آنکه غسل کند یا وضو بگیرد یا تیمم کند، و خضاب کردن (حنا بستن و رنگ کردن ریش و موی سر).

وأما الغسل: فواجباته خمس: النية، واستدامة حكمها إلى آخر الغسل. وغسل البشرة بما يسمي غسلاً، وتخليل ما لا يصل إليه الماء إلا به. والترتيب: يبدأ بالرأس ثم الجسد، والأفضل البدء بالجانب الأيمن ثم الأيسر ولا يجب فيهما الترتيب، ويسقط الترتيب بارتماسة واحدة.

چگونگی غسل کردن:

پنج چیز در غسل واجب است:

نیت و باقی ماندن بر آن تا پایان اعمال غسل، شستن پوست بدن، به آن گونه که به آن شستن گفته شود و (تخلیل) رساندن آب به جایی که به خودی خود آب به آنجا نمی رسد.

ترتیب: یعنی اینکه نخست سر<sup>(5)</sup> را بشوید بعد باقی بدن، و بهتر است که ابتدا سمت راست بدن را بشوید و بعد سمت چپ و رعایت ترتیب میان راست و چپ واجب نیست؛ اگر به یک باره در آب فرو رود، ترتیب ساقط می شود. (یعنی در غسل ارتماسی ترتیب وجود ندارد).

2 - حرم های ائمه (ع) نیز حکم مساجد را دارد و بلکه حرمتش از آن نیز بیشتر است و محدوده حرم، قبر و بنای اولی که قبر را در بر گرفته است می باشد و اگر آن بنا توسعه یافته باشد، مقدار افزوده شده نیز در حکم داخل است و اگر کوچک تر شده باشد نیز مقدار کاهش یافته از حکم خارج می باشد. البته این حکم شامل فرزندان ائمه [امامزادگان] نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 52)

3 - شنیدن و گوش دادن به قرائت قرآن حکم خواندن آن را ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 52)

4 - کراهت به معنای این است که بهتر است این عمل ترک شود نه به این معنا که ثوابش کمتر است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص

<sup>3</sup> - پرسش: آیا غسل کردن، در غسل با سر واجب است؟ یا طرف راست یا چپ؟ پاسخ: غسل و شستن کردن، با سر است؛ اما ترتیبی که واجب است، این است که با سر آغاز کند. سپس جسد؛ و ترتیب سمت راست و سپس چپ مستحب است. (اللجنة الفقهية: 21 شوال 1438 هـ. (Alljnahalfkheah@yahoo.com))

وسنن الغسل: تقديم النية عند غسل اليدين، وتضييق عند غسل الرأس، وإمرار اليد على الجسد، وتخليل ما يصل إليه الماء استظهاراً، والبول أمام الغسل والاستبراء، وكيفية: أن يمسح من المقعد إلى أصل القضيب ثلاثاً، ومنه إلى رأس الحشفة ثلاثاً، وينتره ثلاثاً. وغسل اليدين ثلاثاً قبل إدخالهما الإناء، والمضمضة والاستنشاق، والغسل بصاع (3 لتر ماء).

مستحبات غسل: هنگام شستن دست‌ها و قبل از شروع غسل، نیت کند؛ و پایان وقت نیت، هنگام آغاز شستن سر (شروع غسل) می‌باشد. دست کشیدن بر بدن در هنگام غسل و رساندن آب به قسمت‌هایی از بدن که به خاطر ظهور و آشکار کردن [استظهار] معمولاً آب به آن‌ها می‌رسد، و ادرار کردن قبل از غسل و استبرا نمودن.

- چگونگی استبرا نمودن: خالی کردن مجرای ادرار از بول به این صورت که سه بار از مقعد تا ریشه آلت بکشد و بعد از آن سه بار از آن محل تا سر آلت بکشد و بعد از آن سه بار سر آلت را فشار دهد تا ادراری در آن باقی نماند.

دیگر مستحبات غسل: سه بار شستن دست‌ها قبل از داخل کردن در ظرف، مضمضه کردن، استنشاق و غسل نمودن با یک صاع (سه لیتر آب).

### مسائل ثلاث:

مسائل سه‌گانه:

الأولى: إذا رأى المغتسل بللاً مشتبهاً بعد الغسل، فإن كان قد بال أو استبرأ لم يعد، وإلا كان عليه الإعادة.

اول: اگر غسل کننده بعد از غسل رطوبتی ببیند که نداند منی است یا نه، اگر قبل از غسل ادرار یا استبرا نموده باشد غسل را تکرار نمی‌کند، در غیر این صورت، باید دوباره غسل کند.

الثانية: إذا غسل بعض أعضائه ثم أحدث يعيد الغسل من رأس، ودائم الحدث يضم إليه الوضوء إذا لم يكن لديه وقت يكفي للغسل دون أن يتخلله حدث.

دوم: اگر مقداری از بدن را غسل نموده، سپس حدثی از او سر بزند، باید دوباره از شستن سر شروع کند ولی دائم‌الحدث اگر آنقدر وقت نداشته باشد که دوباره غسل کند و حدثی از او سر نزده باشد، باید پس از پایان همین غسل، برای طهارت وضو بگیرد.

الثالثة: لا يجوز أن يغسله غيره مع الإمكان، ويكره أن يستعين فيه.

سوم: کسی نمی‌تواند دیگری را غسل دهد، مگر در حالت اضطرار؛ و کمک گرفتن در غسل مکروه است.

